

مقاله اصلی

اثر بخشی آموزش فلسفه به کودکان بر خود کارآمدی تحصیلی دانش آموزان دختر پایه چهارم ابتدایی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۷

خلاصه

مقدمه

ادراک خود کارآمدی می تواند منجر به بهبود عملکرد کودکان در زمینه های مختلف شود. چنانکه می تواند اثر چنین ادراکی را در بافت تحصیلی مشاهده کرد. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر خود کارآمدی تحصیلی دانش آموزان دختر پایه چهارم ابتدایی انجام گرفت. روش پژوهش نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون- پس آزمون با گروه گواه بود. دوره پیگیری نیز دو ماهه اجرا شد.

روش کار

جامعه آماری شامل دانش آموزان دختر پایه چهارم ابتدایی بود که در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ در شهر مشهد مشغول به تحصیل بودند. نمونه در این پژوهش شامل ۶۰ دانش آموز دختر پایه چهارم ابتدایی بود که با روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب و با گمارش تصادفی در گروه های آزمایش و گواه جایدهی شدند (۳۰ دانش آموز در گروه آزمایش و ۳۰ دانش آموز در گروه گواه). سپس معلم دانش آموزان حاضر در گروه آزمایش، آموزش فلسفه به کودکان را طی کارگاهی ۸ ساعته آموخته و طی ۱۲ هفته در ۱۲ جلسه ۷۵ دقیقه ای به صورت گروهی برای دانش آموزان کلاس اجرا نمود. پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش شامل پرسشنامه خود کارآمدی تحصیلی (مورگان - جینکز^۲، ۱۹۹۹) بود. داده های حاصل از پژوهش به شیوه تحلیل واریانس آمیخته با استفاده از نرم افزار آماری SPSS23 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج

نتایج نشان داد که آموزش فلسفه به کودکان از طریق معلمان بر خودمهارگری ($P < 0.001$)؛ $F = 74/23$ ؛ $\eta^2 = 0/56$) دانش آموزان تاثیر داشته است.

نتیجه گیری

بر اساس یافته های پژوهش می توان چنین نتیجه گرفت که آموزش فلسفه با آشنایی دانش آموزان با مهارت های همکاری و تفکر، بهبود ارتباطات و مسئولیت پذیری اجتماعی، رشد تفکر انتقادی و کشف توانایی های شناختی و ادراکی می تواند به عنوان یک روش کارآمد جهت بهبود خود کارآمدی تحصیلی دانش آموزان مورد استفاده قرار گیرد.

کلمات کلیدی

آموزش فلسفه به کودکان، خود کارآمدی تحصیلی، دانش آموزان دختر

فاطمه فاضلیان دهکردی^۱

طیبه شریفی^{۲*}

احمد غضنفری^۲

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی روانشناسی تربیتی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

^۲ دانشیار گروه روانشناسی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

Email: sharifi_ta@yahoo.com

^۱ مقاله حاضر برگرفته از رساله دوره دکتری تخصصی نویسنده اول پژوهش در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد کد اخلاق به شناسه IR.IAU.SHK.REC.1401.118 است.

^۲ Morgan, Jinks

مقدمه

اهمیت تربیت در دوران کودکی دوران کودکی در زندگی انسان از اهمیتی ویژه برخوردار است. در این دوران می‌توان بنای یک زندگی سالم و سعادتمندانه را پی‌ریزی کرد و از بروز بسیاری از مشکلات در آینده جلوگیری نمود. بسیاری از نابسامانی‌های روانی و اخلاقی انسان ناشی از چرخه تحول نادرست دوران کودکی است. بنابراین، (بروفسکی، اسپیکرمن و روس،^۱ ۲۰۲۳). هر جامعه‌ای برای پیشرفت و رشد در ابعاد مختلف اجتماعی اقتصادی و فرهنگی نیاز به افرادی دارد که از نظر روانی و جسمانی سالم باشند (موتا، ماتیسایویچ، سانتوس، پترسکو و موتا،^۲ ۲۰۲۰). سلامتی و بیماری این قشر عظیم در سلامتی و بیماری جامعه فردا و نسل‌های آینده، نقش مهمی دارد. بنابراین، لازم است به سلامت روانی و جسمانی این قشر عظیم بیشتر توجه شده و گام‌های اساسی در جهت بهبود وضعیت روانی، شناختی و تحصیلی آنان برداشته شود (کیو، وانگ، تانگ، وو، ژانگ و سانگ،^۳ ۲۰۲۰). مطالعات انجام شده در فرهنگ‌های مختلف نشان داده است درصد قابل توجهی از کودکان سنین مدرسه دچار مشکلات تحصیلی هستند (کوندو، چان و کافلر،^۴ ۲۰۲۲). این در حالی است که درصد قابل توجهی از دانش‌آموزان در سنین ابتدایی به دلایل مختلف فردی، خانوادگی، اجتماعی و آموزشی گاهی به مشکلات تحصیلی برخورد کرده و از پیشرفت تحصیلی مناسب و در خور باز می‌مانند (واگنر و والدز،^۵ ۲۰۲۳). این در حالی است که محیط غنی و سرشار تحصیلی و متغیرهای فردی و تحصیلی اثرگذار در این بخش (محیط تحصیلی)، نیز می‌تواند از طریق تجربه اندوزی و فعالیت شخصی بهنجار، زمینه را برای تحول مناسب کودک در زمینه‌های مختلف فراهم آورد (کیو^۶ و همکاران، ۲۰۲۰).

یکی از متغیرهای تحصیلی که در محیط تحصیلی کودکان شکل گرفته و می‌تواند منجر به بهبود عملکرد تحصیلی آنان شود، خودکارآمدی تحصیلی^۷ است (تالسما، اسپجاز و نوریس،^۸ ۲۰۱۹).

خودکارآمدی تحصیلی باور فراگیران درباره توانایی خود برای فهمیدن یا انجام دادن تکالیف درس و رسیدن به اهداف در یک زمینه تحصیلی مشخص است (شن،^۹ ۲۰۱۸). کمبود خودکارآمدی تحصیلی منشاء بسیاری از مشکلات افت تحصیلی و مشکلات روان‌شناختی است. خودکارآمدی پایین عزم و اراده را سست و عملکرد را مختل می‌کند (ساپرویا، بورداس و رابرس،^{۱۰} ۲۰۲۲). تحقیقات نشان داده‌اند که باورهای خودکارآمدی تحصیلی تاثیر نیرومندی بر انگیزش پیشرفت، انتخاب‌ها و میزان تلاش و سطح پشتکار افراد و نهایتاً بر پیشرفت و موفقیت آن‌ها دارد (گوستاگیولاس، لاورانوس و کورفیاتیس،^{۱۱} ۲۰۱۹). فراگیرانی که باورهای خودکارآمدی تحصیلی بالا دارند، تکالیف دشوار را به عنوان چالش می‌بینند (کاهرامان و الراوادیه،^{۱۲} ۲۰۲۱)، نسبت به اهدافشان متعهد باقی می‌مانند و در صورت شکست بر تلاش خود می‌افزایند و نهایتاً پشتکار آن‌ها موجب موفقیت می‌شود (زندر، براور، کراین و هانور،^{۱۳} ۲۰۱۸)، اما برای فراگیران دارای باورهای خودکارآمدی تحصیلی پایین، تکالیف درسی دشوار در حکم تهدید شخصی هستند و مواجه شدن با شکست، موجب درماندگی و دست کشیدن از تلاش و نهایتاً اکتفا به عدم موفقیت می‌شود (جانگ، ژائو و لی،^{۱۴} ۲۰۱۷).

برای بهبود مولفه‌های شناختی، روان‌شناختی، هیجانی و تحصیلی کودکان روش‌های آموزشی و درمانی مختلفی مورد استفاده قرار گرفته است. یکی از روش‌های موثر در این

8. Talsma, Schütz, Norris

9. Shen

10. Supervía, Bordás, Robres

11. Kostagiolas, Lavranos, Korfiatis

12. Kahraman, Alrawadieh

13. Zander, Brouwer, Jansen, Crayen, Hannover

14. Jung, Zhou, Lee

1. Borowski, Spiekerman, Rose

2. Mota, Matijasevich, Santos, Petresco, Mota

3. Qu, Wang, Tang, Wu, Zhang, Sun

4. Condo, Chan, Kofler

5. Wagner, K.M., Valdez

6. Qu

7. academic self-efficacy

می‌یابد، عبارت است از مهارت‌های شناختی، ارزیابی استدلال‌ات و روابط علی، خوداصلاحی، مهارت‌های همکاری، گوش دادن به سخنان دیگران، داشتن تفکر باز و روشن، نقد نظرهای دیگران همراه با احترام، اطمینان در ابراز خود، شادمانی از ارائه انتقاد و شادمانی در پذیرش و پاسخ به انتقاد (فتحی، احقر و نادری، ۱۳۹۸). در این روش برای آموزش فلسفه به کودکان از داستان‌هایی استفاده می‌شود که جذاب و بحث‌انگیز است و فلسفه را در قالب شخصیت‌های تخیلی به کودکان ارائه می‌دهند. در اصل می‌توان از محرک‌های مختلفی برای آموزش مهارت‌ها استفاده کرد، اما بهترین محرک داستان‌ها هستند. دلیل این کار این است که هرکس داستان خودش را دارد و در داستان خودش زندگی می‌کند و باید یاد بگیرد و بتواند داستانش را با بقیه به اشتراک و تعامل بگذارد و هم این که، داستان‌گویی، از راه‌های موثر برای کسب مهارت تفکر و تحقیق است. بعلاوه اینکه، می‌توان کودکان را از لحاظ عاطفی و ذهنی، با زندگی شخصیت‌های داستان باروش پرسش و پاسخ درگیر کرد (رستمی و همکاران، ۱۳۹۸).

با توجه به ضرورت توجه به سلامت روان‌شناختی، هیجانی، شناختی و تحصیلی کودکان و این که عدم توجه به آن می‌تواند زندگی اجتماعی، خانوادگی و تحصیلی آینده کودک را با آسیب جدی مواجه سازد، ضروری است اقدامات مقتضی برای بهبود مولفه‌های روان‌شناختی، هیجانی، رفتاری و تحصیلی این کودکان صورت گیرد تا از پیشروی آسیب در آینده جلوگیری گردد. چرا که آسیب‌های ناشی از مشکلات دوران کودکی، محدود به این دوران نبوده و پیامدهای آن تا سال‌ها و گاه حتی تا دوران بزرگسالی استمرار می‌یابد. در صورت عدم مهارت آموزی بهنگام، احتمال بروز مشکلات رفتاری جدی، آسیب‌های اجتماعی جبران‌ناپذیر و مشکلات تحصیلی در زندگی کودکان بالا است. چرا که تجربه‌های نخستین زندگی، بنیان سلامتی یا بیماری روانی

حوزه آموزش فلسفه برای کودکان^۱ است که مطابق نتایج پژوهش لام^۲ (۲۰۲۲)؛ هامبرتو، مورا و گیانوتی^۳ (۲۰۲۲)؛ مالبوئف- هارتابیس^۴ و همکاران (۲۰۲۱)؛ ایسیکلار و اوزتارک^۵ (۲۰۲۱)؛ فرحزادی (۱۴۰۱)؛ شیرزادی، بیاتی، بدافی و بابادی عکاشه (۱۴۰۰)؛ نویدیان، واحدی، بدری گرگری و فتحی آذر (۱۴۰۰)؛ دهقان منشادی، شفیع و همتی (۱۴۰۰)؛ رحیمی، واحدی و ایمان‌اده (۱۳۹۸)؛ چراغ‌زاده، کردنوقایی و سهرابی (۱۳۹۸)؛ فتحی، احقر و نادری (۱۳۹۸)؛ فتحی آذر، تقی‌پور و حاج آقایی خیابانی (۱۳۹۸)؛ عیسی مراد، نفر و فاطمی (۱۳۹۸)؛ رستمی، فیاض، مفیدی، ملکی و بهشتی (۱۳۹۸) دارای کارآیی بالینی موثر برای بهبود مولفه‌های شناختی، روان‌شناختی، هیجانی و اجتماعی کودکان است.

لیپمن^۶ برنامه آموزش فلسفه برای کودکان را در سال ۱۹۷۰ برای کودکان پیش‌دبستانی و دبستانی طراحی نمود تا فرصتی برای تفکر و کندوکاو با همکلاسی‌های خود داشته باشند. وی بر این اعتقاد بود که نمی‌بایست به کودکان گفت چه چیزی درست و چه چیزی اشتباه است، بلکه کودکان باید با درگیری در گفتگوهای اکتشافی با یکدیگر، خودشان به نتیجه برسند. طبق پیش‌فرض‌های موجود برنامه فلسفه برای کودکان، با بهبود مهارت‌های همکاری و تفکر که در این برنامه رشد و پرورش می‌یابند، سبب بهبود ارتباطات و مسئولیت‌پذیری اجتماعی بیشتر کودکان می‌شود (چراغ‌زاده، کردنوقایی و سهرابی، ۱۳۹۸). اجرای برنامه فلسفه برای کودکان باعث بهبود و رشد تفکر انتقادی، خلاق، منسجم و ریزبینانه می‌شود. افرادی که در این دوره‌ها شرکت می‌کنند مهارت تفکر در سطح بالاتر را فرا گرفته و قادر می‌شوند در صورت لزوم تغییر نگرش دهند (مالبوئف- هارتابیس و همکاران، ۲۰۲۱). بدین ترتیب مهارت ارتباطی آنها بهبود و توانایی آنها برای رابطه با دیگران افزایش می‌یابد. برخی از مهارت‌های خاصی که بدین طریق در کودک پرورش

4. Malboeuf-Hurtubise

5. Isiklar, Ozturk

6. Lipman

1. philosophy for children

2. Lam

3. Humberto, Moura, Giannotti

افراد را در دوران نوجوانی و بزرگسالی پایه ریزی می‌کنند، از این رو بکارگیری روش‌های داخله‌ای کارآمد در درون کودکی نه تنها قدرت روانی و رفتاری کنونی کودک را بهبود می‌بخشد، بلکه منجر به کاهش چشمگیر اختلالات رفتاری، روانی و هیجانی در زندگی آینده کودک می‌شود. بنابراین با توجه به مباحث و مبانی مطرح شده در مورد اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان در جهت بهبود اختلالات روان‌شناختی، رفتاری و هیجانی جامعه‌های آماری کودکان و از سوی دیگر با توجه به خلاء پژوهشی موجود به علت عدم وجود تحقیقات مشابه، مساله اصلی این پژوهش آموزش فلسفه به کودکان از طریق معلمان و بررسی اثربخشی آن بر خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان دختر پایه چهارم ابتدایی است.

روش کار

روش پژوهش نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه گواه بود. دوره پیگیری نیز دوماهه اجرا شد. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان دختر پایه چهارم ابتدایی بود که در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ در شهر شهرکرد مشغول به تحصیل بودند. جهت انتخاب حجم نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده شد. بدین صورت که از بین دو ناحیه آموزش و پرورش شهر شهرکرد، یک ناحیه به تصادف انتخاب شد. سپس از بین دبستان‌های دخترانه یک دبستان به تصادف انتخاب و دو کلاس چهارم این دبستان وارد پژوهش شد (یک کلاس به عنوان گروه آزمایش و یک کلاس به عنوان گروه گواه: هر کلاس ۳۰ نفر). بنابراین تعداد ۶۰ دانش‌آموز دختر پایه چهارم به عنوان نمونه در پژوهش حضور داشتند (۳۰ دانش‌آموز دختر در گروه آزمایش و ۳۰ دانش‌آموز دختر در گروه گواه). سپس معلم مربوط به گروه آزمایش آموزش فلسفه به کودکان را توسط پژوهشگر آموزش دید تا بدین وسیله تا اتمام فرایند اجرایی پژوهش، به صورت آموزش دیده در کلاس دست به تدریس زند. این در حالی بود که دانش‌آموزان دختر حاضر در گروه گواه هیچگونه مداخله‌ای را در طول پژوهش دریافت نکرده و در انتظار دریافت مداخلات حاضر بودند. قبل از شروع اجرای

مداخله پژوهش توسط معلم، دانش‌آموزان دختر در گروه آزمایش و گواه به پرسشنامه‌های پژوهش در مرحله پیش‌آزمون پاسخ دادند. پس از اتمام جلسات پس‌آزمون اجرا و برای اطمینان از ثبات نتایج مرحله پیگیری دو ماهه اجرا شد. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل حضور در پایه چهارم دبستان، جنسیت دختر، رضایت دانش‌آموز و والد جهت شرکت فرزند خود در پژوهش، نداشتن بیماری جسمی و روان‌شناختی حاد و مزمن (با توجه به پرونده سلامت، اظهارات والدین و معلم) و عدم دریافت مداخله روان‌شناختی همزمان بود. ملاک‌های خروج از پژوهش نیز شامل داشتن بیش از دو جلسه غیبت، عدم همکاری و انجام ندادن تکالیف مشخص شده در کلاس، عدم تمایل به ادامه حضور در فرایند انجام پژوهش، وقوع حادثه پیش‌بینی نشده و عدم پاسخگویی به پرسشنامه‌های پژوهش در یکی از مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون و یا پیگیری بود. جهت رعایت اخلاق در پژوهش رضایت دانش‌آموزان برای شرکت در برنامه مداخله کسب و از کلیه مراحل مداخله آگاه شدند. همچنین به دانش‌آموزان گروه گواه اطمینان داده شد که آنان نیز پس از اتمام فرایند پژوهشی این مداخلات را دریافت خواهند نمود. همچنین به دانش‌آموزان حاضر در هر دو گروه اطمینان داده شد که اطلاعات آنها محرمانه باقی مانده و نیازی به درج نام نیست. جهت ایجاد انگیزه برای دانش‌آموزان برای شرکت در پژوهش حاضر، قبل از شروع مداخله، جوانب درمانی و آموزشی مداخلات برای شرکت‌کنندگان توضیح داده شد. این در حالی است که تمام فرایندهای اجرایی مداخله نیز به شکل رایگان برای آنها ارائه داده شد. علاوه بر این مقاله حاضر دارای کد اخلاق به شناسه IR.IAU.SHK.REC.1401.118 از دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد می‌باشد.

ابزار سنجش

روند اجرای پژوهش

جهت انجام پژوهش ابتدا هماهنگی های لازم با مسئولان آموزش و پرورش شهر شهرکرد انجام شد. سپس ضمن هماهنگی با مسئولین دبستان دخترانه ابتدایی منتخب، با رضایت آگاهانه از کودکان و والدین آنان و گمارش آنها در گروه های آزمایش و گواه (۳۰ دانش آموز دختر در گروه آزمایش و ۳۰ دانش آموز دختر در گروه گواه)، پرسشنامه های پژوهش در مرحله پیش آزمون اجرا شد. سپس آموزش فلسفه به کودکان در طی کارگاهی ۴ ساعته به معلم به شکل کامل توضیح داده شد. علاوه بر این قبل از شروع هر جلسه نیز پژوهشگر به بیان جزئیات جلسه پیش رو پرداخته و جزئیات را در اختیار معلم قرار می داد تا مداخله به شکلی دقیق و علمی اجرا شود. سپس معلم دانش آموزان حاضر در گروه آزمایش، آموزش فلسفه به کودکان را طی ۱۲ هفته در ۱۲ جلسه ۷۵ دقیقه ای به صورت گروهی به دانش آموزان ارائه نمود. این در حالی بود که دانش آموزان حاضر در گروه گواه به محتوای این بسته دسترس نداشتند و در طول اجرای پژوهش از دریافت آن محروم بودند. پس از اتمام جلسات پس آزمون اجرا و برای اطمینان از ثبات نتایج، مرحله پیگیری نیز دو ماه بعد اجرا شد. پایه جلسات مداخله ای آموزش فلسفه به کودکان برگرفته از پروتکل فتیحی آذر، تقی پور و حاج آقایی خیابانی (۱۳۹۸) بود.

پرسشنامه خودکارآمدی تحصیلی (ASEQ):^۱

پرسشنامه خودکارآمدی تحصیلی توسط مورگان- جینکر^۲ (۱۹۹۹) ساخته شد. این پرسشنامه دارای ۳۰ سوال و سه مولفه شامل استعداد، کوشش و بافت می باشد. سوالات این مقیاس به صورت طیف لیکرت چهار درجه ای (کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۴) است و سؤال های ۴، ۵، ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۲۲، و ۲۳ به صورت معکوس نمره گذاری می شود. حداکثر نمره ۱۲۰ و حداقل نمره ۳۰ می باشد. ضریب پایایی کلی برای این پرسشنامه ۰/۸۲ و ضریب آلفا برای زیرمقیاس های استعداد، بافت و تلاش به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۷۰ و ۰/۶۶ گزارش شده است. زیرمقیاس استعداد دارای ۱۳ گویه، بافت ۱۳ گویه و تلاش ۴ گویه است (الورث^۳، ۲۰۰۹). کریم زاده و محسنی (۱۳۸۵) ضریب پایایی را برای خودکارآمدی تحصیلی کلی ۰/۷۶ و برای سازه استعداد ۰/۶۶، سازه کوشش ۰/۶۵ و سازه بافت ۰/۶۰ به دست آورده اند. در پژوهش فخاریان و همکاران (۱۴۰۰) آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۷۴ و خرده مؤلفه های استعداد ۰/۶۹، کوشش ۰/۶۶ و بافت ۰/۷۰ بدست آمد. پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه خواهد شد.

جدول ۱. خلاصه جلسات آموزش فلسفه به کودکان

جلسه	موضوع درس
جلسه اول	من که هستم (آینه کم)
جلسه دوم	خواستها و نیازها (یک انسان به چه مقدار زمین نیاز دارد).
جلسه سوم	خشم (داستان گلرت)
جلسه چهارم	زورگویی (ماجرای رویارویی فینگل)
جلسه پنجم	جرات و ترس (شاهزاده سانا)
جلسه ششم	خوشبختی (پیرزنی در بطری سرکه)
جلسه هفتم	دوستی (خرسی که حرف می زد)
جلسه هشتم	لانه پرنده

3. Ellsworth

1. Academic Self-Efficacy Questionnaire

2. Morgan, Jinks

جلسه نهم	لیندا و کلارا
جلسه دهم	داستان گابریل
جلسه یازدهم	بدخلقی
جلسه دوازدهم	مردی که نمی‌توانست صورت خود را کنترل کند.

یونفرنی^۶ برای بررسی فرضیه پژوهش استفاده گردید. نتایج آماری با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS-۲۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج

میانگین و انحراف استاندارد متغیر وابسته پژوهش در مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری، به تفکیک دو گروه آزمایش و گواه در جدول ۲ ارائه شده است.

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو سطح آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در سطح توصیفی از میانگین و انحراف استاندارد و در سطح آمار استنباطی از آزمون شاپیرو-ویلک^۱ جهت بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها، آزمون لوین^۲ برای بررسی برابری واریانس‌ها، آزمون موجلی^۳ جهت بررسی فرض کرویت داده‌ها^۴ و همچنین از تحلیل واریانس آمیخته^۵ و آزمون تعقیبی

جدول ۳. میانگین و انحراف استاندارد خودکارآمدی تحصیلی در دو گروه آزمایش و گواه

گروه‌ها	پیش‌آزمون		پس‌آزمون		پیگیری	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
گروه آزمایش	۶۴/۳۶	۱۲/۶۷	۷۲/۷۰	۱۴/۷۶	۷۱/۴۶	۱۴/۲۴
گروه گواه	۶۲/۳۶	۸/۴۱	۶۱/۳۶	۸/۶۸	۶۱/۲۳	۸/۵۴

مورد سنجش قرار گرفت که نتایج آن معنادار نبود که این یافته نشان می‌داد پیش‌فرض همگنی واریانس‌ها در متغیر خودکارآمدی تحصیلی ($F=0/44$; $P=0/38$) رعایت شده است. این در حالی بود که نتایج آزمون موجلی بیانگر آن بود که پیش‌فرض کرویت داده‌ها در متغیر خودکارآمدی تحصیلی ($Mauchly's W=0/92$; $P=41$) رعایت شده است.

قبل از ارائه نتایج تحلیل واریانس آمیخته، پیش‌فرض‌های آزمون‌های پارامتریک که جهت استفاده از آزمون‌های پارامتریک لازمند، مورد سنجش قرار گرفت. بر همین اساس نتایج آزمون شاپیرو-ویلک بیانگر آن بود که پیش‌فرض نرمال بودن توزیع نمونه‌ای داده‌ها در متغیر خودکارآمدی تحصیلی ($F=0/12$; $P=20$) برقرار است. همچنین پیش‌فرض همگنی واریانس نیز توسط آزمون لوین

^۵. Mixed analysis of variance

^۶. Bonferroni follow-up test

^۱. Shapiro-Wilk test

^۲. Levine test

^۳. Mauchly's Test

^۴. Data sphericity

جدول ۴. نتایج تحلیل واریانس آمیخته جهت بررسی تاثیرات درون گروهی و بین گروهی اثر آموزش فلسفه به کودکان بر خودکارآمدی تحصیلی آنان

مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار f	مقدار p	اندازه اثر	توان آزمون
۴۶۵/۲۳	۲	۲۲۸/۱۱	۴۳/۳۸	۰/۰۰۱	۰/۴۳	۱
۲۷۷۶/۹۴	۱	۲۷۷۶/۹۴	۵۰/۴۷	۰/۰۰۱	۰/۴۹	۱
۷۸۰/۵۴	۲	۳۹۰/۲۷	۷۴/۲۳	۰/۰۰۱	۰/۵۶	۱
۶۰۹/۸۹	۱۱۶	۵/۲۵				

بیانگر آن بود که اثر متقابل نوع آموزش (آموزش فلسفه به کودکان از طریق معلمان) و عامل زمان (تغییرات مراحل پس از آموزش و پیگیری نسبت به پیش از آموزش) هم بر نمرات خودکارآمدی تحصیلی دانش آموزان دختر پایه چهارم ابتدایی معنادار است. بنابراین نتیجه گرفته می شود نوع مداخله یعنی آموزش فلسفه به کودکان از طریق معلمان در مراحل مختلف ارزیابی (پس از آموزش و پیگیری) هم بر خودکارآمدی تحصیلی دانش آموزان دختر پایه چهارم ابتدایی تاثیر معنادار داشته است. اندازه اثر نشان می دهد اثر تعامل آموزش فلسفه به کودکان از طریق معلمان و عامل زمان (تغییرات مراحل پس از آموزش و پیگیری نسبت به پیش از آموزش) ۵۶ درصد از تفاوت در نمرات خودکارآمدی تحصیلی دانش آموزان دختر پایه چهارم ابتدایی را تبیین می کند. حال در جدول ۵ مقایسه زوجی میانگین نمرات خودکارآمدی تحصیلی آزمودنی ها بر حسب مرحله ارزیابی با استفاده از آزمون تعقیبی بونفونی ارائه می شود.

نتایج آزمون واریانس آمیخته در جدول ۴ نشان داد عامل زمان (تغییرات مراحل پس از آموزش و پیگیری نسبت به پیش از آموزش) تاثیر معناداری بر میانگین نمرات خودکارآمدی تحصیلی دانش آموزان دختر پایه چهارم ابتدایی داشته است. اندازه اثر هم نشان داد که این عامل ۴۳ درصد از تفاوت در واریانس نمرات خودکارآمدی تحصیلی دانش آموزان دختر پایه چهارم ابتدایی را تبیین می کند. علاوه بر این، بر اساس نتایج، تاثیر عضویت گروهی یعنی آموزش فلسفه به کودکان از طریق معلمان هم بر نمرات خودکارآمدی تحصیلی دانش آموزان دختر پایه چهارم ابتدایی معنادار است. بنابراین چنین نتیجه می شود آموزش فلسفه به کودکان از طریق معلمان هم بر خودکارآمدی تحصیلی دانش آموزان دختر پایه چهارم ابتدایی تاثیر معنادار داشته است. اندازه اثر مربوط به این یافته نیز نشان می دهد که این آموزش ۴۹ درصد از تفاوت در نمرات خودکارآمدی تحصیلی دانش آموزان دختر پایه چهارم ابتدایی را تبیین می کند. علاوه بر این، نتایج

جدول ۵. مقایسه زوجی میانگین نمرات خودکارآمدی تحصیلی آزمودنی ها بر حسب مرحله ارزیابی با استفاده از آزمون تعقیبی بونفونی

مرحله مورد مقایسه	تفاوت میانگین ها	خطای انحراف معیار	معناداری
پیش از آموزش	پس از آموزش	-۳/۶۶	۰/۰۰۱
پیش از آموزش	پیگیری	-۲/۹۸	۰/۰۰۱
پس از آموزش	پیش از آموزش	۳/۶۶	۰/۰۰۱
پس از آموزش	پیگیری	۰/۶۸	۰/۱۱

نتایج جدول جدول ۵ بیانگر آن است که بین میانگین نمرات مرحله پیش آزمون با پس آزمون و پیگیری در متغیر خودکارآمدی تحصیلی تفاوت معنادار وجود دارد. این بدان معناست که آموزش فلسفه به کودکان از طریق معلمان توانسته نمرات پس آزمون و پیگیری متغیر خودکارآمدی تحصیلی را نسبت به مرحله پیش آزمون را به شکل معناداری دچار تغییر نمایند. یافته دیگر این جدول نشان داد که بین میانگین نمرات مرحله پس آزمون و پیگیری تفاوت معنادار وجود ندارد. این یافته را می‌توان این چنین تبیین نمود که نمرات متغیر خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان دختر پایه چهارم ابتدایی که در مرحله پس آزمون دچار تغییر معنادار شده بود، توانسته این تغییر را در طول دوره پیگیری نیز حفظ نماید.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان از طریق معلمان و بررسی اثربخشی آن بر خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان دختر پایه چهارم ابتدایی انجام گرفت. نتایج نشان داد که آموزش فلسفه به کودکان از طریق معلمان بر خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان تاثیر داشته و توانسته منجر به بهبود خودکارآمدی تحصیلی این دانش‌آموزان شود. این یافته با نتایج پژوهش پیشین همسویی داشت. چنانکه فرحزادی (۱۴۰۱) نشان داده است که آموزش فلسفه بر دانش هیجانی، شایستگی اجتماعی و همدلی کودکان دارای خودکنترلی پایین موثر است. همچنین شیرزادی و همکاران (۱۴۰۰) دریافتند که آموزش فلسفه برای کودکان بر هنجارگرایی و درگیری تحصیلی دانش‌آموزان پسر اثربخش است. از طرفی دهقان منشادی، شفیعی و همتی (۱۴۰۰) گزارش کرده اند که آموزش خویشداری به شیوه فلسفه برای کودکان بر خودکنترلی دانش‌آموزان پایه دوم ابتدایی اثر دارد. نویدیان و همکاران (۱۴۰۰) نیز نشان دادند که آموزش فلسفه برای کودکان بر انعطاف‌پذیری روان‌شناختی دانش‌آموزان ابتدایی اثربخش است. فتحی آذر، تقی‌پور و

حاج آقایی خیابانی (۱۳۹۸) نیز دریافتند که آموزش فلسفه برای کودکان بر خودتنظیمی هیجانی دانش‌آموزان ابتدایی موثر است. فتحی، احقر و نادری (۱۳۹۸) و عیسی مراد، نفر و فاطمی (۱۳۹۸) نیز گزارش کرده اند که آموزش فلسفه برای کودکان منجر به بهبود روابط میان-فردی، همدلی و حل مسئله اجتماعی دانش‌آموزان می‌شود. در پژوهش خارجی لام (۲۰۲۲) دریافت که آموزش فلسفه به کودکان از طریق معلمان بر کاهش مشکلات رفتاری و هیجانی کودکان موثر است. همچنین مالبوئف-هارتایس و همکاران (۲۰۲۱) گزارش کرده اند که آموزش فلسفه به کودکان منجر به بهبود سلامت روان کودکان دبستانی می‌شود.

در تبیین یافته حاضر مبنی بر اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان از طریق معلمان بر خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان دختر پایه چهارم ابتدایی باید گفت برنامه آموزش فلسفه به کودکان، به معنای عام آن، برای کودک هدف نیست، بلکه این روش کودکان را با فکر کردن، پرسش و پاسخ، کندوکاو و انتقاد آشنا می‌کند و در ضمن روحیه مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی در محیط‌های خانوادگی، اجتماعی و تحصیلی را در آنها به وجود می‌آورد (لام، ۲۰۲۲). بر این اساس کودکانی که آموزش فلسفه دیده‌اند، می‌توانند خودشان و جهان را در یک چشم‌انداز جدید ببینند. آنها می‌توانند ایده‌هایی را از دیگران دریافت کنند که ممکن است خطوط آنها به ذهنشان غیرممکن باشد، بنابراین فلسفه، فقط یادگیری ایده‌ها و نظریه‌های فلسفی نیست، بلکه هر کودکی باید مفاهیم ذهنی را به تجارب دیداری منتقل کند. علاوه بر این برنامه آموزش فلسفه، کودکان را به سوی منطقی بودن سوق می‌دهد. این برنامه به کودکان کمک می‌کند تا به تدریج برای حل مشکلاتشان تلاش کنند و از فرایند های تفکر آگاه شوند. بنابراین آموزش فلسفه به کودکان سبب می‌شود تا آنان بتوانند مشکلات خود در محیط‌های خانوادگی، اجتماعی و تحصیلی را با استفاده از تفکر منطقی حل نموده و با مهارت

پذیرش و یا انکار عقیده‌ای خاص دارد آگاه باشند. آنها نیاز دارند که بدانند با احساسات چه می‌شود کرد و چگونه از طریق آنها و یا به رغم آنها، می‌توان چیزهای جدید آموخت (فتحی آذر و همکاران، ۱۳۹۸). بر این اساس کودکان با آموزش فلسفه می‌توانند هیجانات مشکل‌دار خود را کاوش کنند، بشناسند و در مورد آنها گفتگو داشته باشند، برای مدیریت آنها نیز گام برداشته و با بکارگیری هیجانات مثبت عملکرد فردی سازنده‌تری را تجربه نموده و در نتیجه خودکارآمدی تحصیلی بالاتری را در محیط تحصیلی از خود نشان دهند.

پژوهش حاضر مانند سایر پژوهش‌ها با محدودیت‌هایی از جمله محدودیت جمعیت مورد مطالعه دانش‌آموزان پایه چهارم دوره ابتدایی شهرستان شهرکرد، جنسیت دختر، عدم کنترل و تفکیک اثر متغیرهای شخصیتی، اجتماعی، مدرسه ای و خانوادگی مؤثر بر خودکارآمدی تحصیلی کودکان و عدم استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی همراه بود. بر اساس محدودیت‌های عنوان شده در پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود به منظور افزایش تعمیم‌پذیری نتایج، در سطح پیشنهادات تحقیق، این تحقیق بر روی سایر گروه‌های سنی، جنسیت پسر و سایر شهرها، مناطق و جوامع با فرهنگ‌های مختلف، دیگر دانش‌آموزان با آسیب روانی و شناختی همانند دانش‌آموزان با علائم اضطراب، افسردگی، استرس، اضطراب جدایی و ... انجام شود. با توجه به اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان از طریق معلمان بر خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان دختر پایه چهارم ابتدایی، در سطح عملی پیشنهاد می‌شود مسئولان آموزش و پرورش شهرکرد با فعال کردن مشاوران مدارس، متخصصان، و روان‌شناسان تربیتی در مراکز مشاوره و خدمات روان‌شناسی دو مقوله خودکارآمدی تحصیلی و قدرت تفکر فلسفی دانش‌آموزان دوره ابتدایی را بررسی نموده و با آموزش مشاوران و روان‌شناسان در مراکز مربوطه و استفاده از معلمان و ترغیب آنان به استفاده از آموزش فلسفه برای کودکان در جهت

حل مساله و به دور از درگیری ذهنی افراطی نسبت به مشکلات محیطی یادگیری آگاه شده و با اقدام هدفمندانه مبتنی بر تفکر سعی در حل آن نمایند که این روان‌ادراک خودکارآمدی عمومی و تحصیلی را در کودکان بهبود می‌بخشد. در تبیینی دیگر می‌توان بیان نمود، در این روش کودکان توانستند در روش‌های درست گفتگو و یا انتقاد پذیری و همچنین ابراز خود از طریق برنامه فلسفه مهارت کسب کنند و در کنترل رفتارهای تحصیلی هنجارگیز مهارت بیشتری بدست آوردند. همچنین مالبونف - هارتایس و همکاران (۲۰۲۱) بر این باورند اگر کودکان بتوانند در مباحثه‌های جمعی فلسفی درباره مفاهیم مرتبط با منطق‌گریزی قرار گیرند، قادر می‌شوند دیدگاه خود و سایر کودکان را در زمینه‌های مختلف فردی، اجتماعی و تحصیلی محک و دست به خود اصلاحی بزنند. در حقیقت، تأثیر ایده‌های آنان بر یکدیگر و کشاکش‌هایی که در حلقه کندوکاو بین آنها به وجود می‌آید در استدلال و منطق آنها تأثیر می‌گذارد و منجر به کاهش بروز اهمال‌کاری و بهبود مهارت و خودکارآمدی تحصیلی در آنان می‌گردد. علاوه بر این فلسفه برای کودکان بر پایه پرسشگری و گفتگوهای جمعی، توانمندی‌هایی را در اختیار کودکان قرار می‌دهد که آنها را قادر می‌سازد از تعاملات اجتماعی با اعضای هم‌سطح خودشان نهایت استفاده را ببرند و به مفهوم مشترکی رسیده و در نتیجه مهارت فردی و اجتماعی بیشتری را از خود نشان دهند. علاوه بر این اجرای برنامه فلسفه برای کودکان باعث بهبود و رشد تفکر انتقادی، خلاق و ریزبینانه می‌شود (نویدیان و همکاران، ۱۴۰۰). کودکانی که در این دوره‌ها شرکت می‌کنند مهارت تفکر در سطح بالاتر را فرا گرفته و قادر می‌شوند در صورت لزوم تغییر بازخورد دهند. در تبیینی دیگر باید گفت هدف فلسفه برای کودکان آن است تا بتوانند از طریق تفکر و گفتمان به سطح دیگری از شناخت برسند. کودکان می‌بایستی علاوه بر کسب توانایی برای داوری‌های اخلاقی قابل دفاع، از احساسات خود و دیگران و نیز نقشی که احساسات در

بود. بدین وسیله از تمام دانش‌آموزان حاضر در پژوهش، والدین آنان و مسئولین آموزش و پرورش شهرستان شهرکرد که همکاری کاملی جهت اجرای پژوهش داشتند، قدردانی به عمل می‌آید.

ارتقای های مهارت های فردی و اجتماعی دانش‌آموزان دوره ابتدایی اقدام لازم را انجام دهند.

تشکر و قدردانی

مقاله حاضر برگرفته از رساله دوره دکترای تخصصی نویسنده اول مقاله در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد

منابع

- چراغ‌زاده، م.، کردنوقایی، ر.، سهرابی، ز. (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر احساس تنهایی و ناامیدی دانش‌آموزان، تفکر و کودک، ۱۰(۱)، ۳۷-۵۰.
- دهقان منشادی، منصور، شفیعی، فاطمه، همتی، حمیده. (۱۴۰۰). تاثیر آموزش خویشتن‌داری به شیوه فلسفه برای کودکان بر خودکنترلی دانش‌آموزان پایه دوم ابتدایی شهر یزد. دوفصلنامه پژوهش در آموزش ابتدایی، ۳(۵)، ۳۸-۵۰.
- رحیمی، سلام، واحدی، شهرام، و ایمان زاده، علی. (۱۳۹۸). تاثیر آموزش «فلسفه برای کودکان» بر تاب آوری دانش‌آموزان ابتدایی. تفکر و کودک، ۱۰(۲)، ۴۷-۶۷.
- رستمی، ک.، فیاض، ا.، مفیدی، ف.، ملکی، ح.، بهشتی، س. (۱۳۹۸). تاثیر برنامه آموزشی فلسفه برای کودکان بر میزان مهارت استدلال دانش‌آموزان پسر، پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۱۳(۴۶)، ۲۳-۳۳.
- شیرزادی، محمدمهدی، بیانی، شبنم، بدایقی، آرزو، بابادی عکاشه، نادیا. (۱۴۰۰). اثربخشی آموزش فلسفه برای کودکان بر هنجارگریزی و درگیری تحصیلی دانش‌آموزان پسر پایه ششم ابتدایی شهر بروجن مجله علوم روانشناختی، ۲۰(۹۸)، ۳۰۴-۲۹۵.
- عیسی مراد، ا.، نزر، ز.، فاطمی، ف. (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر همدلی و حل مسئله اجتماعی دانش‌آموزان پنجم ابتدایی، مطالعات روان‌شناسی بالینی، ۹(۳۶)، ۱۱۷-۱۳۴.
- فتحی آذر، ا.، تقی‌پور، ک.، حاج‌آقایی خیابانی، آ. (۱۳۹۸). تاثیر برنامه آموزش فلسفه برای کودکان بر خودتنظیمی هیجانی کودکان کار، تفکر و کودک، ۱۰(۲)، ۹۵-۱۱۴.
- فتحی، ل.، احقر، ق.، نادری، ع. (۱۳۹۸). تاثیر آموزش فلسفه برای کودکان (P4C) به روش پژوهش مشارکتی بر روابط میان-فردی دانش‌آموزان، تعلیم و تربیت، ۳۵(۴)، ۵۱-۶۴.
- فرحزادی، ن. (۱۴۰۱). مقایسه اثربخشی آموزش فراشناخت، کارکردهای اجرایی و فلسفه بر دانش هیجانی، شایستگی اجتماعی و همدلی کودکان دارای خودکنترلی پایین. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تنکابن، مازندران، ایران.
- نوبدیان، انور، واحدی، شهرام، بدری گرگری، رحیم، فتحی آذر، اسکندر. (۱۴۰۰). تاثیر آموزش فلسفه برای کودکان بر انعطاف‌پذیری روان‌شناختی دانش‌آموزان ابتدایی با رویکرد مبتنی بر زمینه فرهنگی. پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی، ۱۲(۲)، ۲۶۵-۲۸۲.
- Borowski, S.K., Spiekerman, A.M., Rose, A.J. (2023). The role of gender in the friendships of children and adolescents. *Encyclopedia of Child and Adolescent Health*, 3, 94-103.
- Humberto, M., Moura, F., Giannotti, M. (2022). Incorporating children's views and perceptions about urban mobility: Implementation of the "philosophy with children" inquiry approach with young children. *Travel Behaviour and Society*, 26, 168-177.
- Isiklar, S., Ozturk, Y.A. (2021). The Effect of Philosophy for Children (P4C) Curriculum on Critical Thinking through Philosophical Inquiry and Problem Solving Skills. *(International Journal of Contemporary Educational Research*, 114, 541-545.
- Jung, K., Zhou, A.Q., Lee, R.M. (2017). Self-efficacy, self-discipline and academic performance: Testing a context-specific mediation model. *Learning and Individual Differences*, 60, 33-39.
- Kahraman, O.C., Alrawadieh, D.D. (2021). The impact of perceived education quality on tourism and hospitality students' career choice: The mediating effects of academic self-efficacy. *Journal of Hospitality, Leisure, Sport & Tourism Education*, 29, 1003-1008.
- Kostagiolas, P., Lavranos, C., Korfiatis, N. (2019). Learning analytics: Survey data for measuring the impact of study satisfaction on students' academic self-efficacy and performance. *Data in Brief*, 25, 104-110.

- Kwok, S.Y.C.L., Gu, M., Cheung, A.P.S. (2017). *A longitudinal study of the role of children's altruism and forgiveness in the relation between parental aggressive discipline and anxiety of preschoolers in China. Child Abuse & Neglect, 65, 236-247.*
- Lam, C. (2022). *A Philosophy for Children Approach to Professional Development of Teachers. Cambridge Journal of Education, 16, 124-128.*
- Lipman, M. (2003). *Thinking in Education, 2nd (edn.), Cambridge and New York: Cambridge University Press.*
- Malboeuf-Hurtubise, C., Léger-Goodes, T., Mageau, G.A., Joussemet, M., Herba, C., Chadi, N., Lefrançois, D., Camden, C., Bussières, E., Taylor, G., Éthier, M., Gagnon, M. (2021). ***Philosophy for children and mindfulness during COVID-19: Results from a randomized cluster trial and impact on mental health in elementary school students. Progress in Neuro-Psychopharmacology and Biological Psychiatry, 107, 110-115.***
- Mota, D.M., Matijasevich, A., Santos, I.S., Petresco, S., Mota, L.M. (2020). *Psychiatric disorders in children with enuresis at 6 and 11 years old in a birth cohort. Journal of Pediatrics, 96(3), 318-326.*
- Qu, G., Wang, L., Tang, X., Wu, W., Zhang, J., Sun, Y. (2020). *Association between caregivers' anxiety and depression symptoms and feeding difficulties of preschool children: A cross-sectional study in rural China. Archives de Pédiatrie, 27(1), 12-17.*
- Qu, G., Wang, L., Tang, X., Wu, W., Zhang, J., Sun, Y. (2020). *Association between caregivers' anxiety and depression symptoms and feeding difficulties of preschool children: A cross-sectional study in rural China. Archives de Pédiatrie, 27(1), 12-17.*
- Qu, G., Wang, L., Tang, X., Wu, W., Zhang, J., Sun, Y. (2020). *Association between caregivers' anxiety and depression symptoms and feeding difficulties of preschool children: A cross-sectional study in rural China. Archives de Pédiatrie, 27(1), 12-17.*
- Shen, C. (2018). *Does school-related Internet Information seeking improve academic self-efficacy? The moderating role of internet information seeking styles. Computers in Human Behavior, 86, 91-98.*
- Shuai, J., Tian, G., Cui, Y., Zhou, F., Yang, W., Ma, Y., Deng, Z., Wang, Q. (2023). *Associations between family support, loneliness, and underlying depression among children and adolescents in the China family panel studies: A mediation analysis. Journal of Affective Disorders, 327, 397-403.*
- Supervía, U.P., Bordás, S.C., Robres, Q.A. (2022). *The mediating role of self-efficacy in the relationship between resilience and academic performance in adolescence. Learning and Motivation, 78, 1018-1022.*
- Talsma, K., Schütz, B., Norris, K. (2019). *Miscalibration of self-efficacy and academic performance: Self-efficacy ≠ self-fulfilling prophecy. Learning and Individual Differences, 69, 182-195.*
- Vallis, E.H., Zwicker, A., Uher, R., Pavlova, B. (2020). *Cognitive-behavioural interventions for prevention and treatment of anxiety in young children: A systematic review and meta-analysis. Clinical Psychology Review, 81, 1019-1024.*
- Wagner, K.M., Valdez, C.R. (2023). *Role limitations in mothers living with depression: Links with children's academic achievement. Journal of Applied Developmental Psychology, 86, 1015-1019.*
- Yildirim, E.D., Roopnarine, J.L., Abolhassani, A. (2020). *Maternal use of physical and non-physical forms of discipline and preschoolers' social and literacy skills in 25 African countries. Child Abuse & Neglect, 106, 103-108.*
- Zander, L., Brouwer, J., Jansen, E., Crayen, C., Hannover, B. (2018). ***Academic self-efficacy, growth mindsets, and university students' integration in academic and social support networks. Learning and Individual Differences, 63, 97-108.***
- Zhi, K., Chen, Y., Huang, J. (2020). *Children's self-control and family savings for education: An empirical examination from China. Children and Youth Services Review, 119, 1055-1059.*

Original Article

Effectiveness of Teaching Philosophy to Children on the Academic Self-Efficacy of Fourth Grade Female Students

Received: 27/04/2023 - Accepted: 17/06/2023

Fatemeh Fazelian Dehkordi ¹
Tayyebeh Sharifi ^{2*}
Ahmad Ghazanfari ²

¹ PhD student in Educational Psychology, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran

² Associate Professor, Department of Psychology, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran

Email: sharifi_ta@yahoo.com

Abstract

Introduction

Introduction and purpose: The perception of self-efficacy can lead to the improvement of children's performance in various fields. As you can see the effect of such perception in the educational context. according to this the present study was conducted with the aim of investigating the effectiveness of teaching philosophy to children on the academic self-efficacy of fourth grade female students.

Methodology: The research method was semi-experimental with a pre-test-post-test design with a control group. The follow-up period was also implemented in two months. The statistical population included fourth grade female students who were studying in the city of Shahrekord in the academic year of 2020-2021. The sample in this research consisted of 60 female students of the fourth grade of elementary school who were selected by random cluster sampling and randomly assigned to experimental and control groups (30 students in the experimental group and 30 students in the control group). Then, the teacher of the students in the experimental group taught philosophy to children during an 8-hour workshop and performed it as a group for the students in 12 75-minute sessions during 12 weeks. The applied questionnaire in this study included Academic Self-Efficacy Questionnaire (Morgan- Jinks, 1999). The data from the study were analyzed through mixed ANOVA via SPSS23 software.

Findings: The results showed that the teaching philosophy to children through teachers had an impact on the academic self-efficacy ($P < 0001$; $\eta^2 = 0.56$; $F = 74.23$) of fourth grade female students.

Conclusion: Based on the findings of the research, it can be concluded that teaching philosophy by introducing students to cooperation and thinking skills, improving communication and social responsibility, developing critical thinking and discovering cognitive and perceptive abilities can be used as an efficient method to improve students' academic self-efficacy.

Key words: Teaching philosophy to children, academic self-efficacy, female students

Acknowledgement: There is no conflict of interest